

به بهانه انتشار یادمانی تاریخی برای زنده یاد جمشید مشایخی

تاریخ نگاری بر صفحه نقره‌ای

■ شاهد توحیدی



زنده یاد جمشید مشایخی صرف‌نظر از وجوه متنوع هنری، در ایران در سینما نقشی ممتاز داشت. هم از این روی کارنامه هنری وی در این حوزه نیز درخور بازخوانی و تحلیل است.

اخیراً «فرهنگستان هنر» در اقدامی ارجمند، به‌انتشار یادمانی برای استاد با همین رویکرد دست زده است. منیژه کنگرانی تدوینگر این اثر در دیباچه‌ای در صدر این دفتر آورده است:

«جمشید مشایخی نلمی آشنا برای ایرانیان است؛ یکی از بازیگران محبوب سینما که در جامعه امروز ایران، هر فرد در هر سن و مقام و تجربه‌ای که باشد، اثر یا آثاری از ایشان را به تماشا نشسته است. هنرپیشه‌ای که توانست در قلب همه مردم این سرزمین تأثیری خوش و نیکو به جای گذارد و احترام و علاقه ایجاد کند. بازیگری پیشکسوت که با اغلب کارگردانان مطرح و پیشرو سینمای ایران همکاری داشت و با هنرنمای‌هایش توانست ضمن کسب جوایز متعدد سینمایی، افتخار آفرینی کند. وی در هر نقشی که حضور داشت –چه نقش اول در فیلم کمال‌الملک و چه نقش کوتاه قهوه‌چی در فیلم گاو– توانست نقش را از آن خود کند و به گونه‌ای ملموس و باورپذیر شخصیت‌هایی را بازآفرینی کند که فکر و روح و چشمان بینندگان را درگیر هنرنمای‌هایش کند. انسانی که توانایی اخلاق، احساس، تجربه و دانش، از وی بازیگری ماندگار در هر سه عرصه تئاتر، سینما و تلویزیون ساخته است. انسان بودن، محبت داشتن به مردم و میهنش و عشق به کارش باعث شد که در سیر زمان زنده ماند و زندگی کند. بی‌شک نقشی‌هایی که این بازیگر نام‌آشنا با بیش از نیم‌قرن حضور مستمر و در حدود ۱۰۰ فیلم سینمایی و ده‌ها نمایش و مجموعه تلویزیونی و فیلم‌های افا کرده، بخشی از



فراتر از هزار داستان جمشید مشایخی در نقش‌هایش

میراث تصویری دوران ما و مقطعی مهم از تاریخ هنرهای نمایشی و سینمایی ایران را نمایان می‌کند. مجموعه حاضر درواقع یادنامه‌ای شامل مقالات، گفت‌وگو و سخنانی از هم‌نسلان و دوستدارانش است که گوشه‌ای از تلاش‌های بی‌وقفه و پیوسته این هنرمند فقید و استمرار ایشان در ۶۰ سال فعالیت هنری را نمایان می‌کند. امید که تأمل و تدبر در اخلاق و منش و کارنامه هنری این هنرمند پیشکسوت سینما بتواند الگو و دانشی نصیب ما و آیندگان و علاقه‌مندان هنرهای تصویری کند و فرصت مناسبی برای تحقیق و مطالعه برای دانشجویان و پژوهشگران عرصه سینما و بازیگری فراهم آورد. در انتها لازم می‌دانم از مؤلفان گرامی که آثارشان در این مجموعه ارائه شده است و همچنین سرپرست محترم فرهنگستان هنر که فرصتی برای معرفی هنرمندان و نام‌آوران و پیشگسوتان عرصه‌های هنری فراهم آورده‌اند، سپاسگزاری کنم.»

رئیس فرهنگستان هنر نیز در مقدمه خویش بر این دفتر در باب محتوای این یادمان آورده است: «در باره استاد جمشید مشایخی بسیار گفته‌اند و نوشته‌اند؛ انسانی شریف، با اخلاق، مردمی و وطن‌دوست که به فرهنگ و هنر و مردم کشورش بی‌درغ عشق می‌ورزید؛ هنرمندی افتخار آفرین با کارنامه‌ای پرزیرا و درخشان که در رسانه‌های گوناگون ظاهر شد و نقش‌هایی فراموش‌ناشدنی و ماندگار ایفا کرد و چهره‌ای اسطوره‌ای و انکارناپذیر در تاریخ سینما و تئاتر این سرزمین از خود به یادگار گذاشت. فرهنگستان هنر جمهوری اسلامی ایران در راستای وظایف اساسنامه‌ای خود به منظور تجلیل از نام‌آوران و مفاخر هنری ایران‌زمین، در نظر داشت آیین بزرگداشت استاد مشایخی را به پاس سال‌ها حضور مؤثر ایشان در عرصه سینما و تئاتر ایران برگزار کند، که متأسفانه درگذشت ناگهانی این هنرمند صاحب‌نام در آغازین روزهای سال ۱۳۹۸، این فرصت و امکان را سلب کرد و دربنی بزرگ بر دل دوستداران هنر ایران نهاده؛ پس در بزرگداشت یاد و خاطره زنده‌یاد مشایخی و معرفی و بیان شش‌دهه فعالیت هنری استاد و تبیین سبک بازیگری ایشان، یادنامه‌ای مشتمل بر مقالات و یادداشت‌های جمعی از هنرمندان فرهیخته و یاران و هم‌زمان قدیم استاد مشایخی فراهم آمد. بی‌شک، تاریخ هنرهای تصویری ایران، استاد جمشید مشایخی را همواره به واسطه اخلاق، منش و انسانیتش و همچنین نقش آفرینی‌های تأثیرگذار و ماندگارش در خاطر خواهد داشت.»

■ احمد رضا صدری

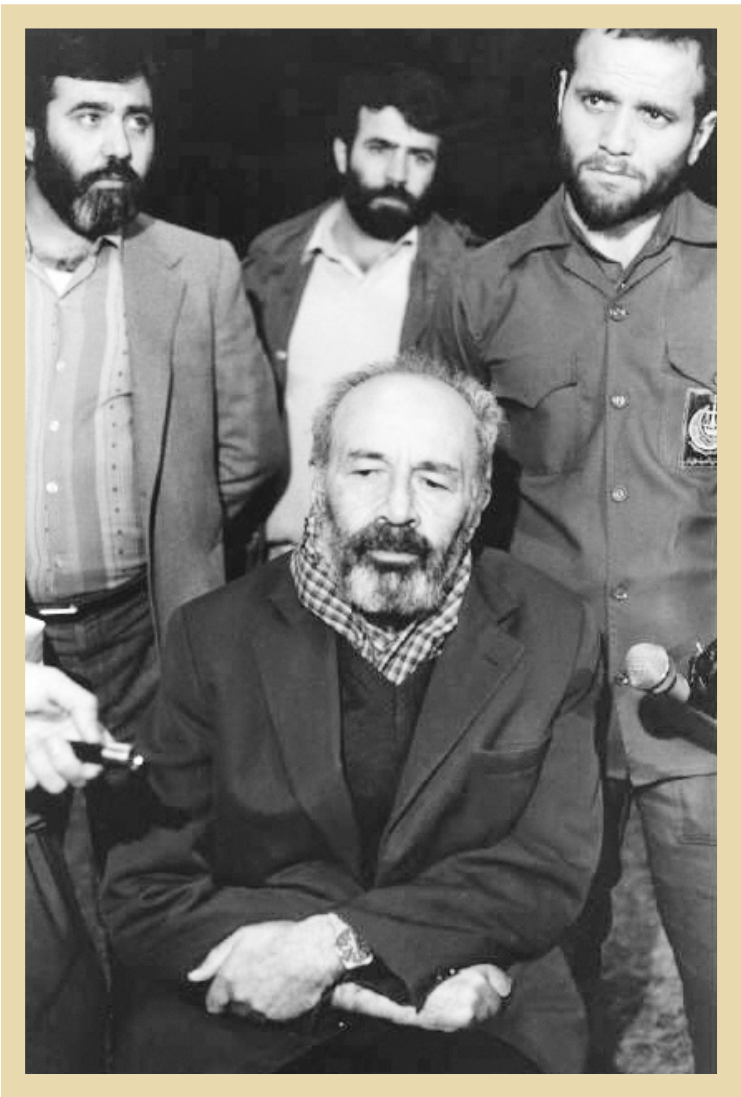
حزب توده ایران در زمره معدود احزاب پرقدمت و نسبتاً موفق در تاریخ سیاسی کشورمان به شمار می‌رود. این تشکل سیاسی در دوران پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز فعال شد و کارنامه‌ای نمایان رقم زد. در مقالی که هم‌اینک پیش روی شماست، شمه‌ای از این کارنامه مورد بازخوانی قرار گرفته‌است. امید آنکه تاریخ‌پژوهان انقلاب و عموم علاقه‌مندان را مقید و مقبول آید.

■ ■ ■

همانگونه که در فوق بدان اشارت رفت، حزب توده ایران از معدود تشکیلاتی بود که از بدو تأسیس، توانست توجه بسیاری از جمله جوانان را به خویش جلب کند. این تشکل پس از ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ ضربات فراوانی خورد و عملاً نتوانست به فعالیت خویش تداوم بخشد. با بالا گرفتن امواج انقلاب، بار دیگر سران خارج‌نشین این جریان به اندیشه بازسازی خویش و تجدید فعالیت افتادند.

■ **حزب توده و فرآیند بازسازی تشکیلاتی در آستانه پیروزی انقلاب اسلامی**

در سالیان اوج‌گیری نهضت اسلامی ایران، حزب توده که پایگاه اجتماعی خود را به‌ویژه در بین نیروهای انقلاب و جوانان از دست داده بود، توانست با بهره‌گیری از چهره‌های ادبی و فرهنگی معروف در سال‌های اولیه انقلاب تا حدودی اعتبار پیشین خود را به دست آورد و درواقع با اتکا به نیروهای کیفی و نخبگان و درمجموع روشنفکران و اهالی قلم در بین طیف تحصیلکرده جامعه طرفدارانی را برای خود دست و پا کند. شورای نویسندگان مرتبط با حزب توده که پس از انشعاب از کانون نویسندگان شکل گرفت تلاش حزب را در ایجاد مقبولیت در بین روشنفکران و تحصیلکرده‌ها نشان می‌دهد. روشنفکران و اهالی قلم که نزدیک به ربع قرن در زندان سیاسی به سر برده بودند، در واقع سرمایه اصلی حزب به شمار می‌رفتند و به‌رالا بردن جایگاه حزب و ایجاد جذابیت برای آن نقش بسزایی داشتند و در سلسله مراتب حزب هم جایگاه‌های بالایی را در کمیته مرکزی، هیئت سیاسی یا اجرایی به دست آوردند. هرچند اکثر آنها به دنبال انحلال حزب در



نورالدین کیانوری در حاشیه یک مصاحبه مطبوعاتی در زندان اوین

پیش از دبیر کلی نورالدین کیانوری، حزب توده از معدود استثناهای حزبی در ایران بود که شخص محور نبود، اما با شروع هژمونی کیانوری حزب توده در استحاله‌ای تدریجی به حزبی شخص محور تبدیل شد. پس از انقلاب کمیته مرکزی حزب توده تلفیقی از کادرهای آزادشده از زندان و رهبران و کادرهایی بود که در آستانه بازگشت به کشور بودند. رهبران و کادرهای اصلی حزب پس از نزدیک به دو دهه از تبعید بازگشتند و حزب فعالیت خود را شروع کرد

گذری بر فراز و فرودهای حزب توده ایران در ادوار پیش و پس از پیروزی انقلاب اسلامی

عملکرد دو گانه، اما بی‌فرجام!

دهه ۱۳۶۰ از حزب خارج یا اخراج شدند.

■ **حزب توده و ۴ دوره فعالیت پس از پیروزی انقلاب اسلامی**

فعالیت حزب توده در نظام جمهوری اسلامی ایران شامل چهار دوره مشخص است؛ در دوره اول در نخستین ماه‌های پس از پیروزی انقلاب، رهبری حزب توده با تمهیداتی به داخل کشور می‌آید.

دوره دوم که از سال ۱۳۵۸ شروع می‌شود، درواقع دوره تجدید سازمان حزب توده است و رهبری حزب توده به جذب گروه‌ها و محفل‌ها و افسراد توده‌ای و متشکل ساختن آنها در چارچوب سازمان‌های علنی و مخفی می‌پردازد.

دوره سوم یعنی سال‌های ۱۳۵۹ و ۱۳۶۰ دوره اوج فعالیت‌های حزب توده است. در این دوره حزب سازمان علنی و تشکیلات مخفی-نظامی خود را منسجم کرده به فعالیت‌های سیاسی، تبلیغاتی و اطلاعاتی خود سروسامان داد و با تبلیغات وسیع تلاش کرد خود را به عنوان حامی استراتژیک خط امام معرفی کند و در این راستا علیه حزب دموکرات کردستان و دولت مهندس بازرگان موضع‌گیری و از اشغال سفارت آمریکا توسط دانشجویان مسلمان پیرو خط امام حمایت کرد. حزب توده حتی ادعای مشارکت در دفاع مقدس را داشت، با خط بنی‌صدر به مبارزه تبلیغاتی پرداخت و حتی با ارائه برخی از اطلاعات درباره ضدانقلاب راست و چپ افراطی و مائوئیسم به نهادهای انقلابی سعی می‌کرد جای پای خود را در حکومت محکم کند. در این دوره، حزب توده تلاش زیادی برای دریافت مجوز فعالیت قانونی از وزارت کشور انجام داد و هم‌زمان، مخفیانه در پی سازماندهی تشکیلات مخفی نظامی و جاسوسی برای شوری بود.

در سال ۱۳۶۲-۱۳۶۱، اثر پیگیری نهادهای اطلاعاتی جمهوری اسلامی ایران، اسرار ارتباط شبکه مخفی نظامی حزب توده با کاکب. (سازمان امنیتی شوروی) کشف می‌شود و حزب زیر فشار کنترل‌ها و هشدارهای اطلاعاتی- عملیاتی قرار می‌گیرد. رهبری حزب با تدارکات دفاعی در ابعاد اطلاعاتی-سیاسی و تبلیغاتی تلاش می‌کند از زیر فشار خارج شود و از ارتباط مستقیم با شوروی

تاریخ

گفت‌وگو ۸۸۹۴۸۹۲۷

روزنامه مردم، ارگان مرکزی حزب را منتشر کرد. این نشریه ابتدا به صورت هفته‌نامه منتشر می‌شد. حزب توده در شماره دوم «مردم» پایان انتشار نشریه نوید را که در طول چهار سال ۷۳ شماره منتشر کرده بود و نیز ادغام بخشی از سازمان چریک‌های فدایی خلق در حزب توده را اعلام کرد. روزنامه مردم از اردیبهشت سال ۱۳۵۸ هر هفته سه شماره و از مهر سال ۱۳۵۸ هر روز منتشر می‌شد. نشریه سیاسی تئوریک دنیا هم از مهر سال ۱۳۵۸ منتشر شد. در سال ۱۳۵۸ اکثر سازمان‌های قبلی وابسته به حزب توده با همان اسامی قدیمی یا با نام‌های جدیدی شروع به کار کردند، ازجمله سازمان جوانان و دانشجویان دموکرات ایران، جمعیت ایرانی هواداران صلح، تشکیلات دموکراتیک زنان ایران، کانون دانش‌آموزان ایران و فرقه دموکراتیک آذربایجان به عنوان سازمان حزب توده ایران در آذربایجان. هفته‌نامه مردم به زبان کردی هم در سال ۱۳۵۸ منتشر شد.

■ **بازه زمانی فعالیت علنی حزب توده پس از پیروزی انقلاب اسلامی**
حزب توده در سال ۱۳۵۸ با رأی مثبت به جمهوری اسلامی در انتخابات شرکت و برای مجلس خبرگان تدوین قانون اساسی کاندیداهایی را از تهران و پنج استان دیگر معرفی کرد. همچنین با معرفی حدود ۱۰۰ کاندیدای مجلس شورای اسلامی و حمایت از بعضی از کاندیداهای سایر احزاب و نیز در انتخابات ریاست جمهوری با حمایت از دکتر حسن حبیبی شرکت فعال داشت.

حزب توده پس از پیروزی انقلاب در فاصله سال‌های ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۱ به فعالیت مشغول بود و در این فاصله اتحادیه دموکراتیک مردم ایران را به رهبری محمود اعتمادزاده (م. به‌آذین) ایجاد کرد.

حزب توده در دوره فعالیت خود به فعالیت‌های گسترده در زمینه‌های رسانه‌ای، تشکیلاتی، حزبی، مطبوعاتی و تبلیغاتی پرداخت و در قبال نظام جمهوری اسلامی گاه مواضع تأییدکننده و گاهی منفعلانه می‌گرفت. حزب توده سعی می‌کرد با همراهی و همسویی با نظام جدید از فرصتی که برایش به وجود آمده بود برای گسترش، نفوذ و تثبیت جایگاه خود استفاده کند و با استفاده از امکانات موجود بر فعل و انفعالات سیاسی کشور تأثیر بگذارد. حزب توده سعی می‌کرد با حمایت از جناح روحانی شورای انقلاب و تیرهای اسلام‌گرا، مکتبی، رادیکال، بنیادگرا، تندرو و آرمان‌گرا در برابر ملی‌گراها و لیبرال‌ها موضع‌گیری کند و به این ترتیب خود را به نیروهای انقلابی نزدیک سازد. مخالفت با دولت موقت و افشاری‌هایی که درباره بازرگان، بنی‌صدر، چمران، امیرانظام، قطب‌زاده، مقدم مراغه‌ای و اخراجی چون نهضت آزادی، حزب خلق مسلمان، حزب پان‌ایرانیست، حزب رحمت‌کشان و امثالهم صورت می‌گرفت و نیز حمایت از نهادهای انقلابی از قبیل سپاه پاسداران و داد‌های انقلاب تماماً در جهت تثبیت جایگاه حزب در نظام جمهوری اسلامی صورت می‌گرفت. حمایت از دانشجویان پیرو خط امام در تسخیر سفارت آمریکا و حمایت از دکتر حسن حبیبی در مقابل بنی‌صدر و سایر کاندیدها از مصادیق این جهت‌گیری است. قطعاً غلبه تفکرات جناح تندروی حزب توده به رهبری کیانوری بر تفکرات جناح میانه‌رو به رهبری اسکندری در این نوع موضع‌گیری‌ها تأثیر تعیین‌کننده‌ای داشت. حزب توده در جهت نزدیک شدن به نظام جمهوری اسلامی و تثبیت موقعیت خود اقدامات زیادی را انجام داد؛ از جمله حزب توده به کشف کودتای نوه کمک کرد. همچنین در قبال ناآرامی‌های مناطقی چون کردستان و آذربایجان به حمایت از سپاه پاسداران و مواجهه قاطع با این شورش‌ها پرداخت.

■ **حزب توده و تشکل‌های رقیب در دوران برقراری نظام اسلامی**
حزب توده به مخالفت با گروه‌های چپی همچون CIA و خوانند و برای توصیف آنان از تعبیر ضدانقلاب استفاده کرد. همچنین از توقیف نشریاتی چون بامداد حمایت کرد. حزب توده در تشکل‌های معارض با نظام زمینه انشعاب‌ها را فراهم کرد. از جمله در برابر کانون نویسندگان تشکیل شورای نویسندگان عده‌ای از نویسندگان معارض با جمهوری اسلامی را به فتح نیروهای موافق و همسو با نظام وارد کرد. از جمله در آبان سال ۱۳۵۸ پنج تن از اعضای کانون نویسندگان که به حزب توده تمایل داشتند نظیر سیاوش کسریایی، محمدتقی برومند، هوشنگ ابتهاج، فریدون تنکابنی و به‌آذین به هیئت دبیران کانون نویسندگان این اتهام را وارد کردند که بعضی از سازمان‌ها و احزاب مخفی در کانون نفوذ کرده‌اند و خواهان لغو ۱۰ شب شعرخوانی در زمین چمن دانشگاه شدند. این پنج تن به همراه افرادی چون جلال سرسفرز، هانیبال الخصاص، محمود برآبادی، جاهد جهانشاهی، جمال میرصادقی، غلامحسین متین، هوشنگ ناظمی و رحیم نامور تلگرامی برای امام خمینی فرستادند و ضمن اعلام وفاداری به انقلاب به فعالیت دوره اخیر کانون نویسندگان اعتراض کردند. با برکناری پنج تن عضو معترض کانون نویسندگان آنان به همراه ۲۴ شاعر، نویسنده، کارگردان، مترجم، نمایشنامه‌نویس، پژوهشگر و… از جمله به‌آل‌الدین خرماشاهی، رکن‌الدین خسروی، احسان طبری، کامران فانی، بهزاد فراهانی، کیومرث منشی‌زاده، اسماعیل نوری‌علاء، ناصر ایرانی، امیرحسین

آریان‌پور، منوچهر ششپایی و… طی بیانیهای اعلام کردند بعضی از گرایش‌های سیاسی قصد دارند شب‌های کانون نویسندگان را صحنه تبلیغات خود و علیه انقلاب اسلامی ایران فعالیت کنند. در آذر سال ۱۳۵۸ در پی اخراج پنج عضو معترض از کانون نویسندگان روزنامه مردم نوشت: «به دنبال یک توطئه کانون نویسندگان ایران از محتوای مترقی خود تهی شد.» در پی این رویدادها در کانون نویسندگان انشعاب به وجود آمد و شورای نویسندگان با محوریت این پنج نفر شکل گرفت. در اسفند سال ۱۳۵۸ شورای نویسندگان و هنرمندان از ۶۰ امضا بیانیه‌ای را صادر کرد. از بین پنج عضو اولیه انشعابیون کانون و تشکیل‌دهندگان شورای نویسندگان سیاوش کسریایی و محمدتقی برومند هفت سال بعد به عضویت هیئت سیاسی حزب توده در آمدند. حزب توده در مواجهه با مخالفان و منتقدان جمهوری اسلامی جانب حکومت را گرفت. همکاری یک حزب مارکسیست با حکومتی که گروه‌های مارکسیستی را سرکوب می‌کرد در تاریخ کمونیسم ایران و بلکه دنیا کم‌سابقه است. تعبیری چون لیبرالیسم، امپریالیسم جهانی، گروهک‌ها و امثالهم که در رسانه‌های حزب توده استفاده می‌شد، پس از انقلاب به صورت گسترده به کار رفتند و به صورت واژگان رسمی کشور در آمدند.

در حوزه سیاست خارجی هم حزب توده تمام تلاش خود را معطوف به نزدیکی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران به شرق، به‌خصوص نزدیکی و دوستی با اتحاد جماهیر شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی کرد. با توجه به شعار «نه شرقی، نه غربی» که در سیاست خارجی به شکل موازنه منفی مورد تأیید تمام جناح‌های جمهوری اسلامی بود، از نظر حزب توده چندان قابل قبول نبود و لذا در این زمینه سیاستی گزینشی و توجیهی را در پیش گرفت. از جمله از تصرف سفارت آمریکا حمایت کرد، اما در قبال اشغال افغانستان توسط قوای شوروی در پی توجیه مسئله بود.

در سال ۱۳۶۰ در پی برگزاری پلنوم هفدهم حزب توده در ایران و انتخاب کیانوری به دبیر اولی حزب کادرهایی که از بازگشت به ایران خودداری کردند کنار گذاشته شدند. در نتیجه حمید صفری، دبیر دوم جای خود را به فرح‌الله میزانی داد و منوچهر بهزادی هم به عنوان دبیر سوم انتخاب شد. در پلنوم هفدهم تعداد اعضای کمیته مرکزی از ۳۱ نفر به ۵۳ نفر افزایش پیدا کرد و همراه با اعضای مشاور به ۷۷ نفر رسید و به این ترتیب جایگاه کیانوری بیش از پیش مستحکم شد و مخالفان او کنار گذاشته شدند. اگر سال ۱۳۶۰ دوره تثبیت یا تقویت حزب توده و تحکیم موقعیت کیانوری بود، سال‌های ۱۳۶۱ و ۱۳۶۲ را می‌توان دوره فروپاشی حزب دانست. این حزب که در سال ۱۳۶۰ با همراهی و همسویی با نظام توانسته بود برخلاف سایر گروه‌های سیاسی به بقای خود ادامه دهد، در سال بعد دچار فروپاشی شد. مهم‌ترین دلیل برای فراز و فرودهای حزب توده در دوران فعالیت نیم‌قرنی‌اش وابستگی به اتحاد جماهیر شوروی و تأثیرپذیری از سیاست خارجی آن کشور بود. درواقع همان عاملی که موجب تقویت حزب می‌شد، نقطه ضعف آن هم به شمار می‌رفت و زمینه آسیب‌پذیری آن را فراهم می‌کرد.

■ **دستگیری اعضای حزب توده**

سرانجام با دستگیری رهبران و مقامات بالای حزب توده در بهمن سال ۱۳۶۱ و محاکمه آنان در اردیبهشت سال ۱۳۶۲ و اعترافات علنی آنان حزب توده غیرقانونی اعلام و منحل شد. دستگیری اعضای حزب توده با دستگیری و محاکمه آنها در رژیم شاه تفاوت عمده‌ای داشت و آن هم اینکه رهبران و مقامات اصلی بیشتری دستگیر شدند، زیرا اکثر آنان از خارج برگشته و مشغول فعالیت‌های علنی شده بودند. تقریباً همه چهره‌های اصلی و شاخص حزب در ایران دستگیر شدند و با اعتراضات گسترده خود عملاً به موجودیت حزب در ایران خاتمه دادند. حزب توده در نیمه نخست سال ۱۳۶۲ از طریق کمیته برون مرزی به شکل بسیار محدودی در خارج از کشور به احیای خود پرداخت و در آذر سال ۱۳۶۲ پلنوم هجدهم در خارج از کشور برگزار شد. هنوز مدت کوتاهی از بازسازی محدود حزب توده نگذشته بود که اعتراضات، اختلاف‌نظرها، تنش‌ها و مشکلات درون حزبی حزب را دچار بحران‌های داخلی، انشعاب، جدایی‌ها و اخراج‌های بی‌دری کرد و حزب توده اعضای خود را به نفع گروه‌های کم،سابقه‌دارتر چپ از دست داد، به‌گونه‌ای که حتی بسیاری از چریک‌های فدایی خلق اکثریت هم‌رودروی حزب قرار گرفتند. در پی بحران‌های متعدد در حزب توده سرانجام حزب در نیمه دوم سال ۱۳۶۰ به گروه کوچکی در خارج از کشور تقلیل یافت و عملاً در تاریخ معاصر تبدیل به یک خاطره شد. قابل ذکر است که فروپاشی شوروی و اردوگاه شرق در سال ۱۳۷۰ نیز نقطه پایان حیات حزب توده به مفهوم تاریخی آن بود، زیرا هویت این حزب با حیات اتحاد جماهیر شوروی و حزب کمونیست آن کشور گره‌خورده بود.

■ **و کلام آخر**

و سخن آخر اینکه حزب توده با جانبداری‌های تاکتیکی خود از نظام جمهوری اسلامی نتوانست جایگاه خود را تثبیت کند و با دستگیری سران حزب و اعترافات آنها دچار سرنوستی مشابه گروه‌های معارض شد و درواقع مصاحبه‌های تلویزیونی رهبران حزب توده خاتمه حیات رسمی حزب در ایران را اعلام کرد.

پیروزی انقلاب اسلامی احسان طبری در تئوری پردازان حزب توده در یکی از مناظرات های تلویزیونی پس از

